

قتل عام و جنایات در افشار*» چگونه میتوانند فراموش گردند!



دستی که نیست در غم ملت، شکسته باد
 عهده‌ی که نیست ضامن وحدت، گسسته باد
 هر در که گشت لانه‌ی سوداگران خون
 بر آبروی خون شهیدان، بسته باد

بعد از شکست خفتبار اتحاد شوروی سابق توسط مجاهدین واقعی و مردم وطنپرست افغانستان و جانبازی‌ها و سربازی‌های یک ملت برای شکست یک دشمن متجاوز در سال ۱۹۹۲، با هجوم تنظیم‌های هفتگانه بیشتر وابسته به اولیای امور پاکستان و ایران، عربستان به شهر کابل، یکبار دیگر سرزمین ما و مردم مظلوم آن با جنایات غیر قابل باور و کاملاً وحشتباری از سال ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ از جانب این اقلیت‌های ددمنش و قسی‌القلبی قرار گرفتند. این گروه بیرحم و تشنه قدرت و تمول، نه تنها برای کسب جاه و مقام به جان همدیگر افتادند، بلکه در مدت چهار سال تقسیم و ترکه پایتخت، مردم مظلوم و بی دفاع آنرا با راکت‌پرانی‌ها و آتش‌افروزی‌ها قتل و قتل‌نموده و میلیون‌ها را باز هم از خاک و وطن‌شان آواره و سرگردان دیار غیر نمودند.

در زمره ده‌ها نوع جنایات بر علیه بشریت درین مدت که از یک اقلیت خون‌آشام افغان مخصوصاً بر اکثریت سکنه شهر کابل نهایت بصورت سبعانه واقع گردید، یکی آن «قتل عام افشار» است که با خاصیت و نحوه عملیات جنایتکارانه آن چون بی سابقه بوده، ثبت تاریخ جهان بشریت گردیده

است. درین فاجعه بی مثال انسانی «**احمد شاه مسعود**» که قبلاً با امضای قرار داد ها و پروتوکول های غیر ملی و غیر افغانی و حفظ سالنگ ها و پایپ لاین گاز برای اتحاد شوروی اشغالگر، جنگ مردم افغانستان را با آن ابر قدرت، نهایت طولانی ساخته و موجبات کشتار و بمباردمان های مهیب را در سرزمینی که خود متولد گردیده و به رشد رسیده بود، فراهم آورد، یکبار دیگر مخرب ترین سلاح جنگی را بر علیه قسمتی از مردم شهر کابل در نیمه شب سرد ترین ماه سال «**۱۰-۱۱ فروری ۱۹۹۳ م - مطابق به ۲۱-۲۲ ماه دلو ۱۳۷۱ ه ش**» از بالای کوه آسمایی «**کوه تلویزیون**»، سازمان دهی داد.

برای هر افغان وطن پرست و ملت دوست، لازم است که چنین یک تراژیدی انسانی را بدون در نظر داشت عوامل دینی، مذهبی، نژادی و لسانی ای که بر قسمتی از ملت افغانستان و اقلیت شریف هزاره ما «**که هدف مسعود و باند جنایت پیشه او، انهدام کامل آن مظلومان بود**»، در چنین شب و روز منحیث یاد بود آن فاجعه رقت بار، بیاد آورده و بر روح پرفتوح شهدای آن درود بفرستند. اینهم جریان فاجعه و «**قتل عام افشار**»:

تجاوزات و قتل عام افشار در فبروری سال ۱۹۹۳ بزرگترین عملیات دولت برهان الدین ربانی را به قوماندانی «**احمد شاه مسعود**» که ظاهراً برای بدست آوردن منافع بیشتر و تصرف قسمت های بیشتر شهر کابل، با «**عبدالرب رسول سیاف**»، جنگ سالار قسی القلب دیگری، تمثیل می نماید. درین حمله و جنگ خونین یکجانبه دو هدف موجود بود:

اول اینکه مسعود تمایل داشت تا همه قرارگاه های نظامی و سیاسی حزب وحدت را متصرف گردد، مثلاً، مناطق مربوط انستیتوت علوم اجتماعی، متصل به افشار، پایین کوه افشار در قسمت غرب شهر کابل و گرفتاری «**عبدالعلی مزاری**»، رهبر حزب وحدت.

هدف دوم اینکه دولت ربانی میخواست بهر وسیله ای بسیاری از ساحات شهر کابل را که مستقیماً توسط قوای دولتی کنترل می شد با اتصال قسمت های غربی شهر تحت کنترل اتحاد اسلامی در آورده بخش هایی از مرکز شهر را تحت کنترل جمعیت اسلامی، بصورت یک پارچه مربوط سازد. با تقسیماتی که در پایتخت صورت گرفته بود، با عملیه آتش افروزی و «**قتل عام افشار**» و بیشتر از پنج هزار خون بیگناهی که در نیمه شب زمستان ۱۹۹۳ که در پهلوی تجاوزات و روش های ددمنشانه عساکر مسعود و سیاف، ریختانده شد، البته آن دو جلاد وطنی به هدف پلان متذکره خویش با قربانی عظیم بشری نایل گردیدند!

ناگفته نماند که قوایی که مرتکب چنان حملات خونینی بتاریخ ۱۰-۱۱ فبروری ۱۹۹۳ بر نقاطی که در حدود پنج شهر را در می گرفت گردید، دقیقاً به پلان و وابستگی رسمی وزارت دفاع دولت اسلامی ربانی و سرپرستی «احمد شاه مسعود» متعلق بود. یعنی که بدون کوچکترین تردید، وزیر دفاع وقوماندان اعلی دولت ربانی در آن زمان در عملیات افشار احمد شاه مسعود بود!

وی تمام مسوولیت عملیات و دستور دهی نظامی را خود بر عهده داشت. وی مستقیماً گروپ جمعیت اسلامی و به طور غیر مستقیم قطعه اتحاد اسلامی سیاف را مراقبت می نمود.

در مورد جنایت فجیع غیر انسانی «قتل عام افشار» که رسماً ثبت وقایع تاریخی نادر و دهشتناک عالم بشریت است، راپور های گوناگون از شهود عینی تا مؤسسات تحقیقی تشکیلات خیریه بین المللی منتشر گردیده است که چند تای آن منجمله «کمیته نظارت بر حقوق بشر» که از قضاء در آن جهنم سوزان جنگ های کابل خبرنگارانی هم در شهر کابل داشت، شاهد حوادث خونین بوده اند. همچنان میتوان بر راپور «پروژه عدالت افغانستان» که در حقیقت بهترین آئینه منعکس دهنده جنگ های افغانستان شمرده میشود، اتکاء نمود:

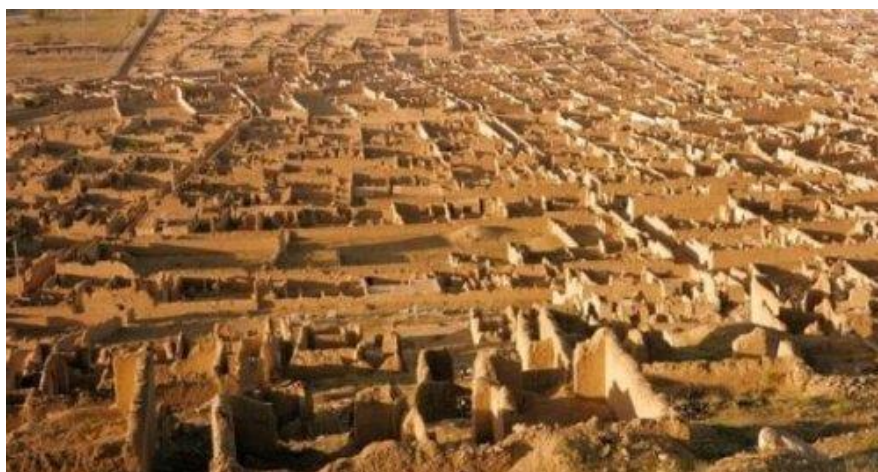
۱- مؤسسات بین المللی مخصوصاً ملل متحد در زمینه جنگ های افغانستان ده ها راپور های مستند و مستدل ارائه نمودند که یکی آن رساله معتبری به نام (Blood stained hands - دستان آغشته به خون - د وینی رنگ لاسونه) است که از جانب کمیته نظارت بر حقوق بشر که نمایندگان و ژورنالستان آن از جریان جنگ های کابل چشم دید های خویش را تحریر نموده اند و «قتل عام افشار» با تفصیلات در آن بیان گردیده است. ترجمه پشتوی این راپور توسط دانشمند و مترجم افغان محترم «رحمت آریا» به دسترس هموطنان قرار گرفته است.

مقدمه این راپور مستند را خانم «لیلی رشتیا عنایت سراج» که اخیراً به دیار حق شتافت، به دری ترجمه نموده است.

- یکی از مهمترین، مستند ترین و مستدل ترین راپوری که جنایات بشری را در جنگ های افغانستان افشاء مینماید و از جانب یک کمیته بیطرف حقوقدانان در هالند تهیه و تنظیم گردیده است، «راپور دادخواهی و عدالت افغانستان» Afghanistajusticeproject.org است که جنایاتی را که در دهه های متمادی جنگ و بربادی یک سرزمین مقدس بر مردم آن تحمیل گردیده است افشاء و بازگویی مینماید. هموطنان ما میتوانند صفحات قابل اعتبار این راپور ارزشمند را با کلیک بر لینک آن به السنه انگلیسی، دری و پشتو مطالعه نموده و به دیگران توصیه نمایند، تا باشد که دامنه سوء استفاده

های جمعی جنایتکار با وابستگی به اجانب، به نحوی پایان یافته و ملت افغانستان را از فریب و خدعه قهرمان سازی های پوشالی هم نجات دهند.

۳ – گاهی چند بار در مورد نشر و تعمیم عدالت انتقالی به اساس «**راپور عدالت افغانستان**» سر و صدایی از اولیای قربانیان متفرقه بالا میشود و مطبوعات هم چیز هایی به نشر میسپارد ولی اقدام جدی در زمینه بازخواست جنایتکاران جنگی تا به حال صورت نگرفته است که امید است به مرور زمان و فشار های جامعه بینالمللی و شکایات وابستگان این جنایات مهلک انسانی، «**محکمه جنایات بر علیه بشریت - ICC**» ولو که آن عصر خونین را مورد بررسی قرار نداده است، کاری را از پیش ببرد..



تصویر غم انگیزی از ویرانه های افشار که در اثر عملیات توپخانه احمد شاه مسعود در ۱۹۹۳، به خاک برابر گردید و تا سال ۲۰۰۵ متروک باقی ماند

بعد از عملیاتی که با قوای مخرب توپخانه مسعود و گروه آدمکشان وی چون قسیم فهیم، قانونی، بسم الله خان، عبدالله عبدالله و ده ها جنایت پیشه دیگری که لست و ویدیوی شان بر فراز کوه تلوزیون، موجود می باشد و در پروژه عدالت افغانستان همچنان به استناد شواهد عینی ثبت گردیده است؛ این ددمنشان و قوماندان های گماشته شده شان از تجاوزات عساکر و قوای زمینی خود ها بر مردم مظلوم و پناه گاه های به آتش کشیده شان، هرگز ممانعت به عمل نیاوردند. درین جریان هولناک و آتشرای خونین آنچه بر خانواده های شریف افغان ما رخ داد، روی بشریت را سیاه نمود.

باند چپاولگران و خابنشین شورای نظار که بسیاری از جنایات و مظالم بر مردم و ملت ستم کشیده افغانستان حاصل روش غیر ملی، وابستگی به غیر و ایجاد تفرقه و شقاق بین اقوام شریف افغانستان می باشد، سبب بیشترین بربادی و جنایات بشری بر سکنه این خاک مقدس گردیده اند.

امروز یکی دیگر ازین گروه دغل بازان روسیاه تاریخ، «احمد مسعود» که پدرش «احمد شاه مسعود»، با مردم فریبی در خدمت چندین دستگاه جاسوسی خارجی بوده و حتی بر علیه کشورش با اتحاد شوروی وقت همبستگی داشته، با گذاشتن پا بر خط مش پدر، دست پرورده دولت های ایران، فرانسه، انگلستان و امریکا باشد که با فریب و خدعه مردم افغانستان تلاش و فعالیت دارد.

نوت:

«*» ۱- فاجعه خونین قتل عام افشار که جزئی از جنایات بشری و ثبت تاریخ جهان گردیده است، قسمتی از روزگاران خون و آتش در افغانستان و اوراق تاریخ مستند آن پنداشته میشود، پس هر سالی که یاد آور آن فاجعه اسفناک بینظیر میگردیم، با اضافات و تغییراتی، تکرار چنان رویداد مهم درکشور و همدردی با اقلیت شریف مردم هزاره افغانستان خواهد بود.

«*» ۲- از جانب دیگر، میرهن است که قسمت بیشتر بربادی و تفرقه جویی های قومی و زبانی ایکه در افغانستان ۴۵ سال اخیر رو نما گردیده و مصائب و بربادی های بیشمار و جنایات بشری دردناکی را سبب شده است، همه و همه از جانب اقلیت های غیر ملی و آتش افروز و اکثراً متعلق به غیر بوجود آمده که نمونه بارز آن همین اصطلاح وحدت شکن و خجالت آور اختراع «افغانستانی» است و اخیراً دیده میشود که در مطبوعات لجام گسیخته بیرون کشور کلمه غیر ملی نامأنوس «هزارستان» هم میخواید به اذهان ملت شریف افغانستان تدریق گردیده موجبات شقاق و نفاق را یکبار دیگر سبب گردد. پناه بر خدا!

پایان